



انترناسیونال

۳۳۰

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۸ دی ۱۳۸۸، ۸ ژانویه ۲۰۱۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

انقلاب و شکست جمهوری اسلامی در دو عرصه مهم



کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی فی الحال در دو عرصه اساسی از انقلاب مردم آشکارا شکست خورده است. یکی لشکر کشی مستقیم و سرکوب و جنایت است که طی چند ماه گذشته تا کنون سیاست رسمی حکومت بوده و هست. و دیگری تلاش برای تعرض سیاسی و تظاهرات حمایتی از رژیم. شکست در این دو عرصه یعنی سرکوب مستقیم و تعرض سیاسی، به معنای اینست که انقلاب ایران يك مرحله مهم و برگشت ناپذیر را پشت سر گذاشته است. از همان ۲۹ خرداد رسماً رهبر حکومت اعلام کرد که افسار جلادانش را باز خواهد کرد تا هرچه خواستند بر سر مردم بیاورند. بارها و بارها گفتند اجازه تحرك و تظاهرات و شعار دادن علیه سران حکومت را نمیدهیم، تنبیه میکنیم، مجازات میکنیم، و سرکوب میکنیم، مانور ضد شورش راه انداختند، کهریزك و جنایات و بیرحمی های بسیاری را علیه مردم به کار گرفتند. بروی تظاهرات مردم آتش گشودند. لشکر بسیج و سپاه و لباس شخصی های مزدور را به جان مردم انداختند و جلوی دوربین ها و جلوی چشم مردم با وحشی گری تمام به مردم تیراندازی کردند و زدند و شکستند و زخمی کردند و بسیاری را دستگیر کردند. طی این مدت صدها نفر از عزیزان مردم بیرحمانه قربانی

شدند. شکنجه و تجاوز و توحشی که علیه دستگیر شدگان تظاهراتها صورت گرفت برآستی قابل توصیف نیست. اما هیچکدام از این وحشی گریها و سرکوبها و بگیر و ببندها و کشتارها ذره ای قادر نشد جنبش و اعتراض و تظاهرات مردم را عقب براند یا تخفیف دهد. از ۲۳ خرداد تا ۶ دی شاهد تظاهراتهای میلیونی مردم با شعارهایی هرروز رادیکال تر علیه حکومت بوده ایم. آخرینش ۶ دی (مصادف با عاشورا) بود که پژواك گسترده ای در ایران و در سطح جهان یافت و بسیاری از رسانه های بین المللی اعلام کردند که جمهوری اسلامی امکان بر سر پا ماندن در مقابل مردم را ندارد. خیلی ها که تا این زمان فکر میکردند حرکت مردم، اعتراضی به "انتخابات" و امثال اینهاست و بزودی تمام خواهد شد، متوجه شدند که مساله جدی تر است. مردم کل حکومت را نمیخواهند. نه

صفحه ۲

سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید برچیده شوند!

صفحه ۱۰

عربده کشی حاکمین جنایتکار را خفه خواهیم کرد!

آنچه این روزها شاهدیم تقلا و دست و پا زدن نیروهای حافظ نظام توحش اسلامی در برابر انقلابی انسانی و میلیونی است که فوری ترین هدف خود را در هم کوبیدن کل دستگاه توحش و چپاول اسلامی حاکم قرار داده است. تهدید اعدام و کف بر دهان آوردن خامنه ای و احمدی نژاد و اژه ای و رادان و آخوندهای رنگارنگ و قضاوت و روزنامه ها و

صفحه ۳

با تمام قوا برای آزادی زندانیان سیاسی به میدان آییم!



شهلا دانشفر

صفحه ۳

بنا به گزارشهای منتشر شده در جریان تظاهرات میلیونی مردم در روزهای ۵ و ۶ دی، نزدیک به هزار نفر دستگیر شدند. آمار دقیقی از شمار دستگیر شدگان در دست نیست. اما بنا بر اخباری که از زندان میرسد تعداد آنان آنقدر زیاد است که تنها در بند ۲۴۰ نزدیک به ۵۰۰ نفر نگهداری میشوند. گفته میشود عده زیادی را نیز به زیر زمین اوین انتقال

پیام مینا احدی به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن حجابها را پرت کنید و بنیان حکومت اسلامی را بسوزانید!



مینا احدی

زنان و مردان آزاده!
در ایران يك انقلاب عظیم علیه قوانین و سنتهای قرون وسطایی و علیه يك حکومت جنایتکار و ضد انسانی در جریان است. يك جنبه درخشان این مبارزات و این انقلاب اعتراض به زن ستیزی عبریان و مسمتیز کننده اسلامی است.
زنان در این انقلاب چیزی بجز زنجیرهایشان را از دست نمی دهند. و بهمین دلیل است که در صف اول مبارزات، قهرمانانه می رزمند. اینها زنان و دخترانی هستند که روزانه در حال نبرد با تار عنكبوتی هستند که به دست و پای آنها بسته

صفحه ۸

بازتاب هفته:

- * نوبت واجبی خوردن سعید مرتضوی
- * کاراته کاران به ایران باز نگشتند!
- * حجاب برگیران در عاشورا و وحشت رژیم
- * نباید در مقابل اعدام نظاره گر خاموش بود
- * عبای پاره و تاریک اندیشان بی پناه
- * قابل تامل: گفته هایی در مورد مذهب
- * کاظم نیکخواه
- * کاظم نیکخواه
- * شهلا دانشفر
- * نریمان جبارزاده
- * یاشار سهندی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ انقلاب و شکست جمهوری ...

فقط تهران بلکه مردم شهرهای متعددی در این حرکت شرکت کردند. شعارها کل حکومت را نشانه رفت. شماری از زنان چادر بر گرفتند. سرکوبگران در خیلی موارد مجبور به فرار در برابر حمله مردم شدند. "عاشورای حسینی" که معمولاً روز جشن حکومت اسلامی بود، به روز عزای واقعی حکومت تبدیل شد.

بعد از ۶ دی جمهوری اسلامی برآستی به وحشت افتاد. فریاد مرگ بر دیکتاتور مرگ بر خامنه ای و مرگ بر اصل ولایت فقیه و چادر برگرفتن زنان در تجمعات و آتش زدن عکس خمینی، به آنها تاکید کرد که مردم از موسوی و کروبی و شرکا عبور کرده اند. به آنها تاکید کرد که این جنبش آمده است که کار حکومت را تمام کند و هیچ جناح آن قادر به کنترل آن نیست. این یک انقلاب واقعی است. جمهوری اسلامی در اینجا به همان تلاشی متوسل شد که معمولاً حکومت‌های منزوی و منفور میزنند: راه انداختن کارناوال و راهپیمایی حمایت از حکومت. بعد از تهدیدات و تبلیغات بسیار بر سر آتش زدن عکس خمینی و تلاشهای همه جانبه توسط کل رسانه های مزدور و سران و دست اندرکاران حکومت، روز ۹ دی روز راهپیمایی در حمایت از ولی فقیه اعلام کردند. اخبار و گزارشهای متعددی گویای اینست که حکومت از سراسر ایران نیرو جمع کرد. بسیاری را تهدید کرد که باید شرکت کنند. به آنها که حاضر به شرکت شوند وعده جایزه و ارتقا و مرخصی با حقوق داد. بسیج و سپاه و آیدیش را لباس شخصی پوشاند و به تهران آورد. سرویسهای ویژه گذاشتند و تمام ماشین حکومتی را برای برگزاری هرچه گسترده تر این تظاهرات به حرکت در آوردند. اما اینجا هم آشکارا شکست خوردند. شمار شرکت کنندگان در این تظاهرات از جانب چندین رسانه دولتی که معمولاً دروغ پردازی و اغراق کارشان است، چند ده هزار گزارش شد. بیشترین تعدادی که ذکر کردند چند صد هزار بود که شاهدین عینی آنرا اغراق و دروغ میدانند. حتی این رقم چند صد هزار از رقم چندین میلیون مردم انقلابی در تظاهرات آنها، چندین برابر کمتر بود. و مهمتر اینکه روحیه و قیافه و هیبت تظاهرات کنندگان با عکس خمینی این فضای شکست را منعکس

میکرد. هیچ مفسر و روزنامه نگار نیمه مستقلمی جرات نکرد این را برای حکومت یک پیروزی قلمداد کند. این یک شکست سیاسی آشکار برای حکومت اسلامی بود که بر روحیه نیروهای سرکوب حکومت بی تردید تاثیراتی فوری گذاشته است. فکر نمیکنم جناح حاکم جرات کند به سادگی بار دیگر دست به تظاهرات رسمی حمایتی از خود بزند. چون در حرکت بعدی نفس شکست سیاسی شان میتواند سرعت سقوط حکومت را چندین برابر افزایش دهد.

بدنبال این شکستهای اساسی حکومت اسلامی سرمایه داران است که کل طیفهای رنگارنگ بورژوازی از لیبرال ها و جناح مغضوب و ناسیونالیستهای پروغرب و ناسیونالیسم قومی، آب در لانه شان افتاده است. قطب نمای خود را گم کرده اند. هرروز چیزی میگویند و سیاستی را اعلام میکنند تا روز بعد خلاف آنرا بگویند. موعظه مضحک "خشونت نکنید" و "تعامل کنید" و "تقلای که تحت عنوان "راه برون رفت از بحران" توسط موسوی و شرکا براه افتاده، و تلاشی که برای سربراه کردن خامنه ای انجام میشود، همراه است با اشاراتی هرروزه به اینکه جمهوری اسلامی در سراسر سقوط افتاده و بدون رفتن خامنه ای کار آن تمام خواهد بود. و طرحهایی نیز بر این اساس از جانب گروههایی از اینها از جمله گنجی و سروش و مهاجرانی و شرکا ارائه شده است که تنها معنایی که از آن میشود گرفت تلاش برای اینست که جمهوری اسلامی را تا حد نهایی ای که امکان پذیر است که عقب بنشیند اما از هم نپاشد، اصلاح کنند. اینها رضایت داده اند که خامنه ای برود، احمدی نژاد کنار گذاشته شود، زندانیان آزاد شوند، و عده ای شکنجه گران محاکمه شوند، اما قانون اساسی و نهادهای اصلی حکومت دست نخورده باقی بمانند و یک رئیس جمهور جدید از جانب مردم برای این حکومت انتخاب شود! از نظر تنویر و تجریدی چنین عقب نشینی ای از جانب جمهوری اسلامی قابل تصور بنظر میرسد. اما سوال اینست که چه کسی میخواهد رنگ را سر گریه ببندد؟ اگر قرار است همسین عقب نشینی ها با فشار انقلاب مردم به خامنه ای و جناح حاکم تحمیل شود، فقط یک کودن سیاسی نمیتواند بفهمد که مردمی که خامنه ای و

احمدی نژاد را وادار به فرار میکنند، به باقی ماندن هیچ گوشه ای از این حکومت و به سرکار آمدن هیچ شخصیت امروز و دیروز حکومت رضایت نخواهند داد. به هیچ گوشه ای از سنتها و قوانین و نهادهای ضد مردمی حکومت رحم نخواهند کرد. بهررو این تلاشها کاملاً قابل درک و قابل فهم است. هیچکدام از اینها با رفتن جمهوری اسلامی شانس برای عرض اندام در جامعه را ندارند. در عین حال همه اینها در شرایطی هستند که به حضور مردم در صحنه سیاسی برای حفظ فیزیکی خویش نیاز دارند. این موقعیت پارادوکس و متناقض اینهاست که تا آخر ادامه خواهد یافت و آنها را ناچار میکند که هم به نعل هم به میخ بزنند. سردرگمی این طیف گسترده را به وضوح امروز میتوان دید. هیچ پلاتفرم روشنی برای آینده ندارند. طرحهایشان توخالی و پر از سوراخهای غیر قابل پر کردن و غیر قابل توضیح است. جناحهای بورژوازی غرب نیز از رسانه هایشان میتوان متوجه شد که مانده اند کدام نیرو را جلو بیندازند. از چه کسی حمایت کنند. با چه طرحی با اوضاع رو برو شوند و چه فیللی را هوا کنند. ما پیش از شروع این انقلاب بارها گفته ایم که بورژوازی با بحران حاکمیت در ایران روبروست و هیچ پاسخی به این بحران ندارد. امروز این واقعیت به صورت یک حقیقت غیر قابل کتمان جلوی چشم همگان قرار گرفته است.

جناح خامنه ای و کل حاکمین امروز اسلامی، در برابر شکست سیاسی و نظامی خویش، شروع به تهدید و عربده کشی کرده اند. از اعدام محاربین و دستگیریهایی گسترده و یک سویه کردن اوضاع کف بردهان می آورند. محاکماتشان را فی الحال شروع کرده اند، بنا به شواهدی احکام اعدام را به شماری از زندانیان اعلام کرده اند. این نیز قابل فهم است. این حکومت در شرایط شکست همه جانبه خویش راهی جز ایستادن و جنگیدن و سرکوب کردن بیشتر ندارد. اما مساله اینست که همین راه را هم در واقع ندارد. نیروهای سرکوبش روحیه باخته اند. صفوفش به شدت در هم ریخته است. اتوریته رهبرش زیر سوال رفته است. ترس به جان همگی شان افتاده است. اینها میدانند و دیده اند که یک بار در همین ۲۹ خرداد به این سیاست رو آوردند و شکست خوردند. و

هیچ دلیلی نمی بینند که بعد از تحمل یک عالمه شکست و عقب نشینی، این بار با اعدام شماری از مردم میتوانند بر اوضاع سوار شوند. شواهدی دل بر این است که خیلی هاشان در تدارک پیدا کردن جایی برای فرار هستند. همه کس از ظرفیت جنایت این حکومت خبر دارد. اینها هنوز میتوانند با بیرحمی جنایت کنند. اما همانگونه که در ابتدا اشاره شد هر تلاشی برای خون پاشیدن به جامعه و انقلاب، بطور قطع محکوم به شکست است و حتی میتواند اثرات تسریع کننده ای بر روند فروپاشی این حکومت داشته باشد. این ها درست در شرایطی که دارند عربده کشی میکنند، یکی از مهرهای درشتشان بنام سعید مرتضوی را که شهره خاص و عام است را بعنوان متهم اصلی جنایات کهریزک معرفی کرده اند. سه تن از قربانیان نشان در کهریزک را مجبور شده اند با عنوان مذهبی و محترمانه "مرحوم" یاد کنند. وعده محاکمه متهمین جنایات کهریزک را میدهند. نفس همین یک قلم در اوج تهدید اعدام و کشتار، میتوانند وضعیت بشدت شکننده حکومت را برملا کنند. شخص خامنه ای از کنترل ارگانهای اطراف خویش ناتوان مانده است. باند احمدی نژاد و پاسداران و کیهان شریعتمداری، حتی پای رضایی و لاریجانی و هاشمی و عده ای دیگر را که میشود آنها را ساتر حکومت نامید، به میان کشیده اند و حکم اعدامشان را داده اند. اما از سوی شماری از روحانیون و سران جناح مقابل جوابهای خویش را نیز گرفته اند. این روزها اخباری از حجاب برگریان دختران کاراته کار در مسابقات بین المللی، و بعد عدم بازگشت کل تیم کاراته به ایران و پناهنده شدن آنها به آلمان، پناهنده شدن سرکنسول جمهوری اسلامی در نروژ در اعتراض به کشتارها، نشانهای هایی از شروع روند فروپاشی حکومت است که بی تردید با سرعت بیشتری به جریان خواهد افتاد و نمونه های بسیار بیشتری از این نوع فرار از حکومت و زدن زیر قوانین حکومت را از این پس چه در خارج و حتی در سطح گسترده ای در ایران شاهد خواهیم بود. حجاب برگریان زنان در عاشورا یک نمونه است که ابعادی سراسری به خود خواهد گرفت. فرار از نهادی های سرکوب گسترده تر و چشمگیر خواهد شد.

خواستههای رادیکال تر مردم به جلو صحنه خواهد آمد. در بالای حکومت و در خود جناح خامنه ای - احمدی نژاد شکافهای عمیق تری بیرون خواهد زد. بطور خلاصه جمهوری اسلامی راهی برای باقی ماندن ندارد. و همانگونه که ما از ابتدای این انقلاب گفتیم و تاکید کردیم هیچ بخشی از جناحها و شخصیتهای امروز و دیروز حکومت و حتی کسانی که بطور ضمنی از آن حمایت کرده اند، شانس برای به قدرت رسیدن و آرام کردن اوضاع ندارند. اما باید توجه داشت که این شروع فروپاشی حکومت به معنای سراسر بودن و ساده پیش رفتن انقلاب نیست. بورژوازی طرحها و شخصیتها و توطئه های بسیاری را برای به انحراف کشیدن و شکست انقلاب جلو خواهد کشید. از این نظر انقلاب جاری هنوز واکنش نیست. از نظر رهبری، نقش چپ و کمونیسم، چشم انداز، سازمان، سراسری شدن، جایگاه و نقش تعرض ویژه و مستقل کارگری، و پایه گذاری نهادهای قدرت بعد از جمهوری اسلامی، انقلاب باید راه درازی را بپیماید. صفوف انقلاب باید شفاف تر شود. چپ و رادیکالیسم کارگری باید مهر خود را بارز تر بر روند تحولات بکوبد. در این زمینه نیز البته میتوان به سرعت تحولات و پیشروی ها در دوره انقلابی امیدوار بود امیدورم در جای دیگری بیشتر سخن بگویم.*

بعد التحریر: درست بعد از به پایان بردن این مقاله، خبر استعفای روح الله حسینیان از اعضای شاخص و تندروی جناح خامنه ای منتشر شد. گویی آفتاب آمد دلیل آفتاب. این در واقع تاییدی بر روند فروپاشی و شروع فرارها و استعفاهاست که در ادامه پناهنده شدن کنسول جمهوری اسلامی در نروژ مورد اشاره قرار گرفت. حسینیان میگوید: "اینجانب نزدیک به دوازده سال است کم و بیش در حال مبارزه با جریان انحرافی به اصطلاح اصلاح طلبان هستیم. خداوند خود می داند که چه ظلم ها، فشارها، تهمت ها، توهین ها و تحقیرها را از این جماعت شنیدیم و دیدم. در این میان نصیحتها و زخم زبان های دوستان را با همه تلخی هایش به جان خریدیم؛ اما به یاری خداوند که همه انگیزه ام او بوده هرگز احساس ضعف و ناتوانی نکردم؛ اما امروز بیش از هر زمانی احساس دلخستگی و سرخوردگی می کنم..."

از صفحه ۱ **عربده کشی حاکمین ...**

میخواهند بدان متوسل شوند. میگویند دیگر کاسه صبرشان لبریز شده است. میگویند دیگر "حجت تمام شد". مردم میلیونی را عاملان بیگانه و "آوباش" و اراذل میخوانند و آنها را به چوبه های دار و شکنجه گاههایشان حواله میدهند. حاکمان شرع و احکام بیشمار اعدامهایشان را یاد آور میشوند. وزارت اطلاعات و بسیج و سپاهشان را برخ مردم میکشند. آمادگی رزمی شان و قدرت ضد شورش خود را جلوی چشمشان میگذارند. ظرفیت خونریزی و جنایت و آدمکشی شان را نعره میزنند و عده ای از وازدگان و دست اندرکاران سابق همین حکومت نیز شمشیرهای از روبسته جانیشان را نشان میدهند و با وقاحت رو به مردم موعظه میکنند که "خشونت نکنید"

تا اینها ساکت شوند!

حزب کمونیست کارگری به همه دست اندرکاران امروز و سابق حکومت اعلام میکند که هیچ راهی برای نجات این حکومت باقی نمانده است. جمهوری اسلامی باید برود. مردم از زیر جنایت کاریها و آدم کشی ها کمر راست کرده اند و پا به میدان گنارده اند تا کل این بساط را جمع کنند و به زباله دان پرتاب کنند. شما حاکمین منحوس تاکنون هم کم نکرشته اید و شکنجه و جنایت و آدمخواری کم نکرده اید. نه فقط طی سی سال گذشته، بلکه طی همین هفت ماه گذشته تا کنون تهدید و لشکرکشی و جنایت و تجاوز و شکنجه های وحشیانه تان زیانزد همه مردم جهان شده است. عزیزان بسیاری از مردم را قربانی کرده اید.

جنایت و اعدام پرونده هایشان را در دادگاههای مردم سنگین تر خواهد کرد. صفوفشان در هم ریخته تر از آن است که بتوانید می‌لویونها مردم را شکست دهید و عقب برانید. فکری بحال فردای خود کنید. دنیا را علیه تان بسیج خواهیم کرد. همه مردم شریف با ما هستند. همه انسانهای آزاده با ما و انقلاب ما هستند. دستگاه جنایتتان را در هم خواهیم کوفت و آزادی و برابری و رفاه و حرمت و آزادی را در این جامعه جاری خواهیم کرد.

هیچ گوشه ای از این حکومت نباید بر سر پا بماند. بسیج و سپاه و دادگاههای شرع و ارتش و وزارتخانه ها و حوزه های علمیه و زندانها و مجلس اسلامی و همه قوانین و نهادهای جمهوری اسلامی را منحل خواهیم کرد. سران و دست اندرکاران و سرکوبگران را به محاکمه خواهیم

کشید. به همه افراد در این ارگانها هشدار میدهم که هرچه زود تر حساب خود را از این حکومت جدا کنند. به فردای خود و خانواده هایشان فکر کنند. بیش از این در مقابل مردم نایستید! بروی مردم سلاح نکشید! از دستگاههای سرکوب و کشتار فرار کنید. سلاحهایتان را به مردم تحویل دهید و تا زیاد دیر نشده خود را از صفوف شکست خورده حاکمین جنایتکار جدا کنید.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ دی ۱۳۸۸ - ۵ ژانویه ۲۰۱۰

از صفحه ۱ **با تمام قوا برای آزادی ...**

داده اند. تعدادی نیز به زندان گوهردشت کرج انتقال داده شده اند. خانواده های دستگیر شدگان اخیر هر روزه در مقابل زندان اوین و "دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی" جمع میشوند و پیگیر وضع عزیزان

جمهوری اسلامی در ۶ دی مردم معترض را با خشونت تمام مورد یورش قرار داد و جوانان معترض را که با آنها درگیر میشدند با لگد و مشت و باتوم مورد حمله قرار میداد. خشونت نیروهای انتظامی



خود و خواهان آزادی فوری آنان از زندانند. روز ۱۶ دیماه از ساعت ۹ صبح صدها نفر از خانواده های بازداشت شده به "دادگاه انقلاب" جمهوری اسلامی مراجعه کرده و خواهان آزادی عزیزانشان از زندان شدند. وضعیت بسیاری از دستگیرشدگان ناروشن است و این موضوع موجب نگرانی شدید خانواده ها شده است. تعدادی از خانواده ها از شدت نگرانی به پزشکی قانونی مراجعه کرده اند تا بلکه در آنجا خبری از عزیز خود کسب کنند، اما جوابی نگرفته اند. دستگیر شدگان در تماسهای تلفنی خود با خانواده ها از تعداد زیاد دستگیر شدگان گزارش داده اند.

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

۶۰۰ دلار	آقای حمیدی
۴۸۰ دلار	مجید آذری
۳۰۰ دلار	سعید صالحی نیا
۲۰۰ دلار	به یاد زهرا کاظمی
۱۲۰ دلار	نسرین
۱۲۰ دلار	قادر
۵۰ دلار	سارا
۳۰ دلار	حسن گلزاری
۲۰ دلار	آزاد
۲۰ دلار	حمید الف
۱۰۰ پوند	سهیلا شریفی
۴۰ پوند	اصغر کریمی
۲۰ پوند	شیوا محبوبی
۲۰ پوند	سعید پرتو
۱۶۰۰ پیرو	بهمن ذاکر نژاد



میتوانیم تجمع بر پا کنیم و برای آزادی فوری زندانیان از زندان فشار آوریم. جان زندانیان سیاسی در زندان در خطر است، با تمام قوا برای آزادی آنها به میدان آییم.*

سیاسی در دانشگاه و در مقابل زندان اوین و همه مراکزی که دستگیر شدگان را به آنجا منتقل کرده اند وسیعاً تجمع کنیم و خواهان آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی از زندان شویم. در و دیوار را از شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد پر کنیم و به هر شکلی که

اعتراض میلیونی مردم در ۶ دی انقلاب مردم را گامی بزرگ به جلو برداشت. بدنبال این اتفاق سراسیمگی و آشفتگی رژیم را بیش از هر وقت میتوان دید. مقابله و رودرویی مردم در ۶ دی با نیروهای سرکوبگر رژیم و بعضاً خلع سلاحشان رژیم را به شدت به وحشت انداخته است. جمهوری اسلامی راهی برایش نمانده است. جمهوری اسلامی که به چشم خود دیده است که نه حکومت نظامی و نه شکنجه و زندان نمیتواند، مردم معترض را عقب بزند، به سیاست دستگیری وسیع و تهدید به اعدام و کشتار متوسل شده است. جدا از دستگیری در تظاهراتها، هم اکنون ۶ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه در زندانند و رضا رخشان یکی دیگر از اعضای هیات مدیره این کارخانه در این هفته دستگیر و زندانی شده است. فعالین حقوق کودک از جمله مریم ضیا را در همین هفته دستگیر کرده اند. اما تظاهرات میلیونی مردم در ۶ دی نشان داد که کار این رژیم تمام است و پایان عمر جمهوری اسلامی را حتی از زبان رسانه های بین المللی نیز میشوند. اکنون انقلاب ما در مرحله تعیین کننده ایست. آزاد کردن زندانیان سیاسی از دست این جلادان گام تعیین کننده ای در پیشروی انقلاب است. باید با تمام قوا در کنار خانواده های دستگیر شدگان اخیر و تمامی زندانیان سیاسی برای باز کردن درب زندانها به میدان آییم. برای آزادی زندانیان

بازتاب هفته

ویراستار:

کاظم نیکخواه

نوبت

واجبی خوردن

سعید مرتضوی

کاظم نیکخواه

جناب سعید مرتضوی هم ظاهراً به نوش جان کردن واجبی دعوت شده است. بنا به گزارش يك سایت نزدیک به احمد توکلی وزیر سابق کار جمهوری اسلامی، سعید مرتضوی بعنوان متهم اصلی پرونده کهریزک شناخته شد. به گزارش این سایت سرانجام پس از چند ماه بررسی دقیق، هیات ویژه مجلس برای بررسی ماجرای بازداشتگاه کهریزک عصر یکشنبه گزارش خود را نهایی و به اتفاق آرا تصویب کرد. برای تنظیم این گزارش که امروز چهارشنبه تقدیم رییس مجلس شد، بازدیدهای مختلف از بازداشتگاه های نیروی انتظامی صورت گرفت، بازداشت شدگان، عوامل انتظامی، مقامات قضایی گفتگو و مصاحبه انجام شده است. گزارش هیات تحقیق و تفحص مجلس، تقصیر اصلی را متوجه سعید مرتضوی؛ دادستان سابق تهران که به دستور رییس وقت قوه قضاییه اختیار بازداشتگاه کهریزک را بر عهده داشته است، می‌داند.

قابل ذکر است که دستور اعزام بازداشت شدگان ۱۸ تیرماه ۸۸ به کهریزک را مرتضوی شخصاً صادر کرده بود. در اثر رفتارهای خشونت بار ماموران با بازداشت شدگان، محیط غیربهداشتی و ضرب و شتم بازداشتی‌ها به دست ماموران و زندانیان شرور تحت امرشان؛ سه جوان به اسامی مرحوم محسن روح‌لامینی، مرحوم امیر جواد فر و مرحوم محمد کامرانی جان باختند. سازمان قضایی نیروهای مسلح در بیست و هفتم آذرماه در اطلاعیه ای کشته شدن سه نفر از دستگیر شدگان در بازداشتگاه کهریزک را قتل عمد به دلیل ضرب و جرح دانسته و از مجرم شناخته شدن ۱۲ نفر از متهمان در پرونده کهریزک خبر داده بود...

بعد از انتشار این خبر، یکی از اعضای "هیئت ویژه مجلس اسلامی برای بررسی ماجرای کهریزک" گفت هنوز ما لیست اسامی متهمین را

اعلام نکرده ایم. اما او نگفت که اسم سعید مرتضوی در لیست اعلام نشده آنها نیست. نوع تکذیب خبر از جانب این نماینده مجلس اسلامی در واقع تاییدی بر آن بود و بیشتر از تکذیب در واقع تشدد در بالای حکومت بر سر همین موضوع را فاش می‌کرد.

اگر کسی هنوز متوجه نیست که شیزه این حکومت دارد بسرعت از هم گسسته میشود، باید به همین خبر و خبرهایی از این دست که این روزها کم نیستند دقت کند. سعید مرتضوی یکی از سر جلاخان بیرحم این حکومت طی شش سال گذشته تا کنون بوده است. او دادستان تهران بود و جنایات متعددی را شخصاً بدست خویش با توحش انجام داده است که يك نمونه فراموش نشدنی آن قتل زهرا کاظمی خبرنگار ایرانی کانادایی است. او از عزیز دردانه های خامنه ای است. از یاران متعصب احمدی نژاد است. خیلی مواقع به عنوان سخنگوی حکومت در امور قضائی رو به مردم عریه کشی کرده و مزخرف گفته است. اما امروز قرعه ظاهراً به نام او افتاده که در برابر انقلاب مردم قربانی شود. اینکه حکومت جانپان اسلامی ناچار میشود از سه تن از قربانیان که آنها را طی تمام این مدت "اوباش" و "مزدوران" و امثال اینها خطاب کرده، امروز تحت عنوان "مرحوم" یاد کند نیز خود گویای وضعیت در هم ریخته و شکست خورده حکومت است. همه مردم ایران میدانند که شمار عزیزان مردم که در کهریزک وحشیانه به قتل رسیدند بسیار بیشتر است و اسامی همه آنها منتشر شده است. اما همین حد از پذیرش جنایت يك "غلط کرد" از جانب خامنه ای و مجلس کثیف اسلامی است. خیلی زود همگی شان را به غلط کردم وادار میکنیم. تمام جلاخان و شکنجه گران و آمران جنایتها و در راس آنها شخص خامنه ای باید محاکمه شوند. تمام جانباختگان انقلاب، عزیزان همه مردم هستند و نامشان در تاریخ پرشکوه این انقلاب ثبت شده و فراموش نشدنی خواهد ماند. و ننگ و نفرت همیشگی بشریت نصیب جلاخان بیرحمی امثال سعید

مرتضوی ها و خامنه ای ها و احمدی نژاد ها و بقیه خواهد بود.*

کاراته کاران به

ایران باز نگشتند!

کاظم نیکخواه

بعد از انتشار خبر حجاب برگیران دختران کاراته کار عضو تیم کاراته ایران در مسابقات آلمان اکنون خبر جالب دیگری منتشر شده است. بنا به گزارش اعضای تیم کاراته کاران ایران جمعی تصمیم گرفتند به ایران بازنگردند و در کشور آلمان تقاضای پناهنگی کرده اند. این خبر مدتی بود که دهان به دهان میگشت اما اخیراً خبرگزاری فارس آنرا تایید کرد. این خبرگزاری از زبان مجید اشجعی "مدیر روابط عمومی فدراسیون کاراته" اینطور اعلام کرد "مشغول پیگیری عدم بازگشت کاراته کاران از آلمان هستیم. منتظر دریافت استعلام پناهنده شدن از سفارت آلمان هستیم تا مدارک کتبی در اختیار داشته باشیم". این رویداد يك رسوایی جدی سیاسی برای جمهوری اسلامی ببار آورده است. وقتی که شماری از دختران کاراته کار بدون حجاب وارد مسابقه شدند، دست اندرکاران جمهوری اسلامی در مسابقات ابتدا بر آن سرپوش گذاشتند و عکسهایی از چند دختر محجبه را منتشر کردند تا کسی متوجه ماجرا نشود. اما ظاهراً با خبرگزاری ورزش ایران "ایسنا" هماهنگی صورت نگرفته بود و این خبرگزاری عین خبر بی حجاب ظاهر شدن دختران ورزشکار را با عکس منتشر کرد! پس از انتشار این خبر سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی تمام دست اندرکاران این رشته ورزشی از رئیس آن "متقیان نژاد" تا ورزشکاران زن و مرد ممنوع فعالیت کرد. منتظر بودند تا اینها به ایران برگردند تا به حسابشان برسند. اما اعضای تیم به ایران باز نگشتند تا حکم ممنوع فعالیت بودن و عقوبتهای دیگر را متحمل شوند. حتی بنا به گزارش سایت تابناک یکی از خانواده هایی که ورزشکاران را همراهی میکردند "مشکل از پدر و مادر و دو فرزند دخترشان به نامهای تینا ده ساله و تارا سیزده ساله .. که همراه این کاروان بوده اند در آلمان ماندگار شده و هنوز به ایران مراجعه نکرده اند". جالب تر اینست که بنا به گزارش

یکی از خبرگزاریها در هر مسابقه ای که در کشورهای خارجی صورت میگیرد، از هر ورزشکاری حدود ۲۰۰ میلیون تومان وثیقه میگیرند که بازگشت آنها تضمین باشد. اما این سیاست هم کمکی به جلوگیری از پناهنده شدن ورزشکاران نکرده است. در ماههای اخیر شمار متعددی از ورزشکاران به اسپانیا و آمریکا و آلمان پناهنده شده اند. در ایران امروز همه کس سیاسی است. هر انسان شریفی ضد حکومت است. و می‌خواهد از زیر دست و پای کثیف این حکومت خود را خلاص کند. و در ایران امروز هر کس که ذره ای شم سیاسی داشته باشد، میفهمد که کار جمهوری اسلامی برآستی تمام است و باید به سرنگون شدن این حکومت به سهم خود کمک کند. اقدام کاران هر دو کار را با هم انجام داده است. هم آنها را از شر حکومت خلاص کرده و هم صدای خرد شدن استخوانهای ارتجاع اسلامی در زیر چرخ انقلاب ایران را در سطح بین المللی انعکاس داده است. بویژه اقدام دختران کاراته کار در برگرفتن حجاب يك اقدام بسیار مهم و سمبلیک و يك دهن کجی آشکار به حکومت حجاب و آپارتاید جنسی بود که باید الگوی همه دختران قرار گیرد. حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی است و برگرفتن حجاب تیری به قلب این حکومت است.*

حجاب برگیران

در عاشورا و

وحشت رژیم

شهلا دانشفر

هر روز که مردم میلیونی بیرون می آیند، تظاهرات میکنند، شعار مرگ بر دیکتاتور میدهند، حجاب ها نیز مقداری عقب تر و عقب تر می‌رود. بحث بر سر حجاب برگیران دارد به جنبشی قوی تبدیل میشود. در تظاهرات ۶ دی این را به وضوح شاهد بودیم. تظاهرات میلیونی مردم در ۶ دی (مصادف با عاشورا) علیه جمهوری اسلامی يك نمونه آشکار جنبش آزادیخواهی زن علیه حجاب، این پرچم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و سمبل بردگی زن بود. در عکس های اعتراضی مردم در این روز زانی را می بینیم که در سبیل جمعیت عظیم مردم، حجاب برداشته و در صف مقدم اعتراض مرگ بر دیکتاتور می‌گیرند و با

نیروی سرکوبگر جمهوری اسلامی درگیرند. این موضوع خود یکی از اتفاقات مهمی بود که رژیم را به وحشت انداخت و به اعتراضات مردم در این روز رنگی سکولار، رادیکال، چپ و انسانی داد. برداشتن حجاب در این روز که يك روز مهم اسلامی بشمار میرود، نشانگر نه بزرگ مردم به جمهوری اسلامی و به قوانین ارتجاعی اسلامی اش و به حجاب و ستم کشی زن بود. تظاهرات میلیونی مردم در ۶ دی بطور واقعی انقلاب مردم را گامی بزرگ به جلو برد و در عکس العمل به این اتفاق سیاسی مهم بود که جمهوری اسلامی در اوج استیصالش، در چهارشنبه ۹ دی تظاهراتی دولتی و فرمایشی را سازمان داد. بدین منظور، جانپان حکومت از شهرهای دیگر و از اقصاء نقاط کشور به تهران که قرار بود مرکز چنین نمایشی باشد، نیروی بسیاری بسیج کردند، اما با وجود همه تدارکاتی که دیده شد، و قشون کشی هایشان و با تهدید و جایزه تعیین کردن و دادن غذا و نوشابه به شرکت کنندگان در تظاهرات و غیره نهایتاً نتوانستند بیش از چند ده هزار نفر نیرو جمع کنند. نمایشی که خود بیش از هر وقت زبونی، ناتوانی و وحشت رژیم از انقلاب مردم را نشان داد. خصوصاً اینکه این قدرتمندی حکومت، بعد از اتفاق مهمی چون ۶ دی انجام گرفت که ابعاد میلیونی و گسترده تظاهرات مردم در آن روز، دولت و تمام اپوزسیون بورژوازی و دولتهای جهانی را به لوله انداخت. و رسانه های بسیاری در سطح جهان از پایان عمر جمهوری اسلامی سخن گفتند. اما يك نکته قابل توجه در این تظاهرات نمایشی این است که، از این تظاهرات عکس هایی منتشر شده است که در آن زانی را می بینیم که به اصطلاح رایج حکومت اسلام، "بدحجاب هستند". زانی که عکسی از خامنه ای که در زیرش شعاری در حمایت از او نوشته شده است، را در دست دارند. انتشار این عکس ها به بحث بر سر حجاب بعنوان يك عرصه مهم اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی بیشتر دامن زد. بدنبال این بحث ها بود که حقایق پشت پرده نیز بیشتر بر ملا شد. ماجرای که بیش از پیش عمق جنایت و زن ستیزی این رژیم را به نمایش گذاشت. بر ملا شد که زنان به اصطلاح "بدحجاب" شرکت کننده در تظاهرات دولتی،

بازتاب هفته

ظاهرا از جمله زنانی هستند که در جریان "طره‌های امنیت اجتماعی" رژیم بعنوان زنان "بدحجاب"، "فاسد"، معتاد به مواد مخدر، و دختران فراری ای دستگیر شده و امروز از ترس جان‌شان و قرار گرفتن خطر احکام اسلامی چون سنگسار و غیره بالای سرشان و نیز به خاطر گرسنگی و نداشتن سرپناهی و بعضا گذاشتن فرزندان گرسنه شان در منزل، ناگزیر به شرکت در چنین نمایشی شده‌اند. قربانیانی که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، خود را صاحب جان و جسم آنها دانسته و مورد بیشترین تعرض و بی‌حقوقی قرار دارند. اما پشت این حقیقت تکان دهنده، حقیقت دیگری نیز قرار دارد. آنهم قدرت انقلاب مردم است.

نباید در مقابل اعدام نظاره گر خاموش بود



فریمان جبارزاده

با شنیدن خبر اقدام مردم سیرجان علیه اعدام احساس شادی زیادی به من دست داد. و حتما همه کسانی که برای لغو اعدام مبارزه میکنند و همه کسانی که از اعدام متنفر هستند نیز مانند من با دیدن صحنه برین طناب دار توسط مردم و فراردهی دادن جلاخان و آتش زدن سکوی وحشتناک اعدام در سیرجان، هیجان زده و خوشحال شدند. باید به مردم سیرجان برای این شجاعت و مبارزه شان علیه اعدام درود فرستاد و به بازماندگان جانب‌اختگان مردم سیرجان تسلیت گفت. مردم سیرجان با این عمل نفرت و مخالفت عمیق خود را از اعدام این قتل عمد دولتی اعلام کردند و نشان دادند که دیگر نمی‌گذارند این صحنه‌های وحشیانه تکرار شود. باید مردم به جان آمده در همه جا مانند مردم سیرجان در مقابل اعدام ایستاده و دیگر نظاره گر خاموش قتل عزیزان خود نباشند اعدام وحشیانه و عقب مانده است و باید با قدرت تمام علیه این آدمکشی ایستاد. جمهوری اسلامی برای ترساندن مردم و جلوگیری از اعتراضات مردم دست به اعدام مخالفین سیاسی خود می‌زند. رژیم اسلامی ۳۰ سال است که به وسیله اعدام زندان و شکنجه به حیات خود ادامه می‌دهد. اما امروز دیگر با اعدام هم نمی‌توانند جلوی مردم را برای به زیر کشیدن این حکومت جنایتکار بگیرند. جمهوری اسلامی این حکومت تجاوز و شکنجه این

حکومت قتل و اعدام فقط برای ایجاد شرایطی که کمی مردم مبارز و سرنگونی طلب را به عقب نشینی بکشاند دست به اعدام مخالفین خود می‌زند اما باید بداند که دیگر این حنا رنگی ندارد و دیگر نمی‌تواند نه با اعدام مخالفین سیاسی نه با اعدام کودکان نه با زندان و شکنجه و تجاوز مردم را بترساند. مردم دیگر نخواهند ترسید و از پای نخواهند نشست تا بساط این آدمکشی و جنایت را به زیر بکشند

جمهوری اسلامی باید بداند که دیگر دوران اعدامها سپری شده دورانی که فرزندان و عزیزان مردم را اعدام میکرد و برای تحویل جسدشان پول گلوله می‌گرفتند و خانواده‌های زیادی بودند که چندین فرزندشان به دست حکومت اسلامی اعدام شده بودند که باید پول زیادی می‌پرداختند گذشت. آن دوران وحشتناک خمینی که به دختران در زندان قبل از اعدام تجاوز کرده و بعد از اعدام با جعبه شیرینی به نزد پدر و مادر رفته و میگفتند دخترتان قبل از اعدام صیغه شده گذشت. زمانی که خانواده‌های اعدامی حتی اجازه برگزاری مراسم را هم نداشتند و یا حتی نمیدانستند عزیزانشان کجا دفن شدند. آری گذشت دورانی که پدر و مادران در سکوت برای عزیزانشان گریه کنند.

جنایت‌های نانوخته این جانیان زیاد است پدر و مادرانی که بعد از اعدام فرزندان‌شان از غم و غصه آنان بعد از مدتی سگته کرده و فوت کردند نیز از قربانیان این رژیم اند. کم نبودند بچه‌هایی که در زندان به دنیا آمدند و بعد از تولد آنها، مادرشان اعدام شد. و یا بچه‌هایی که هم پدر و هم مادرشان اعدام شده و هیچوقت محبت و عشق پدر و یا مادرشان را ندیدند. همان کودکان که امروز بزرگ شده اند بهرمانه میلیونها نفر از مردم دیگر با شجاعت آمده اند که کار پدر و مادرشان را به پایان برسانند و دنیایی بسازند که هدف و آرزوهای پدری یا مادرشان بود. آری دیگر آن دوران به سر آمده و مردم انقلابی بخصوص در این چند ماه گذشته با حضورشان در خیابان و دانشگاه و مدرسه و کارخانه و با مبارزه و اعتراضاتشان به دنیا نشان دادند که این حکومت باید برود. الان وقت آن است که هر جا رژیم بساط اعدام را شروع کرد مردم متحدانه در مقابل آن بایستند و دیگر اجازه ندهند که

رژیم دوباره با توسل به اعدام‌های جمعی جوانانمان را دوباره قتل عام کند باید چوبه‌های دار را هر کجا که بنا شد مانند سیرجان آتش زد و برجانیان و جلاخان عزیزانمان خراب کنیم باید به این حکومت مذهبی و ضد بشری امان ندهیم. دیگر وقت رفتن جانیان اسلامی است و باید برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و رفاه خود را در صف حزب کمونیست کارگری سازمان دهیم و با قدرت تمام رژیم جانی اسلامی را برای همیشه به گور بسپاریم. زنده باد سوسیالیسم، زنده باد انقلاب.*

عبای پاره و تاریک اندیشان

بی پناه یاشار سهندی

بعد از بیانیه پنج ماده‌ای موسوی، نوبت به بیانیه "پنج روشنفکر دینی" رسیده است. بیانیه موسوی اظهار این است که دیدید تقصیر ما نیست که مردم در خیابان هستند. دیدید قادر نشدید با کشتن جلو مردم را بگیرید. که به واقع همینگونه است، ایشان خطاب به "آقا" و حواربوش دارد میگوید هنوز از نظر جناب مهندس زمان فریب مردم به شیوه جمهوری اسلامی تمام نشده؟! ایشان میگویند بهتر است آقایان قبول کنند که بحران داریم و بگذارند که ایشان بعنوان یک مهندس این بحران را با هدایت سردار سازندگی و دیگر شرکا "مدیریت" نمایند. محسن سازگارا و مخملباف فوری بیانیه دادند که "مهندس" عقب ننشسته بلکه آماده "شهادت" است و درخواستهایش "کف مطالبات مردم" است. در این بیانیه عقب نشینی در برابر انقلاب مردم را البته بوضوح میشود دید. مردمی با از خودگذشتگی بسیار میخواهند کل حکومت توحش را با تمام نهادها و قوانینش به زیر بکشند، اینها میگویند بگذارید رژیم بماند احمدی و خامنه‌ای و چند مامور را به شما تقدیم میکنیم. اینها کم نیست. اما وعده همان وعده مرگ است. قرار است حکومت بماند. ایشان میخواهند مردم را به مرگ بگیرند تا به تب راضی شوند! در واقع سوال اول اینست که شما چه کاره اید که وعده میدهید؟ چرا باید کسی به خود شما حتی اگر طلا از دهانتان بیبارد ذره‌ای اعتماد کند؟ خواسته‌های ایشان توهین به شعور ما مردم است. بعد از اینهمه جانفشانی و سی سال مبارزه ایشان

میگویند که بعضی چیزها مطابق با فلان ماده قانون اساسی شود. صحبتی از آزادی بی قید و شرط سیاسی نیست بلکه تازه یادشان آمده که فعالیت‌های احزاب و سازمانهای غیر دولتی و اتحادیه‌ای در چهار چوب قانون آزاد شود. میخواهند نیروهای سرکوبگر برگردند به فعالیت حرفه‌ای شان؛ منظور اینک سرکوب بکنند اما حماقت نکنند و اظهار نظر سیاسی نکنند. میگویند "شکنجه گران و قاتلان و آمران چند ماهه اخیر بویژه محاکمه شوند" اما قبلتر از این چند ماهه اخیر فراموش شود بهتر است، چون سه نفر از این پنج نفر سابقه محرز در جرم و جنایت در سالهای قبل از این "چند ماهه اخیر" دارند. میخواهند "روحانیت دولتی نشود" این در حالی است که جامعه میخواهد مذهب از تمام شئون اجتماعی کنار گذاشته شود.

آوردند که "قضات ناعادل و گوش بفرمان تصفیه شوند" (تصفیه کردن از آن کارهایی است که اینها در آن ماهر هستند!) این کجا و درخواست اینک اساس قضاوت در این جامعه باید دگرگون شود کجا؟ گفتند: "تصفیه رادیو وتلوویزیون از دروغ پردازان و تشنج آفرینان"، (باز هم تصفیه!) باید پرسید کسانی مثل همین جناب شروش چگونه میخواهد جوابگوی شوهای هول انگیز تلوویزیون اش در سال ۶۰ باشد که "مارکسیستها گمراه" را سعی داشت به راه الله برگرداند و برادر دینی اش لاجوردی با اعدام کردن کار ایشان را تکمیل میکرد؟ مردم میگویند مرگ بر اصل ولایت قیبه، خواسته اول ایشان البته استغفای احمدی نژاد می باشد!

ایشان به اضافه محسنین و مهندس حرف دلشان اما چیز دیگری است. اذعان میکنند که: "کینه و نفرتی که در سی سال گذشته در سطوح مختلف جامعه انباشته شده، بسیار عمیق و ریشه دار است. این ناراضیاتی ژرف توان تخریبی عظیمی دارد که در صورت فوران، موج گسترده‌ای از خشونت را در سطوح مختلف جامعه ایران دامن خواهد زد." این شاه بیت بیانیه پنج تن است، نه آن خواسته‌های بی ربط به مبارزه مردم. ایشان میخواهند خمینی باشند، میخواهند جلو این انقلاب را بگیرند. "توان تخریبی عظیم" اسم رمز مبارزه ایشان در مرحله کنونی با انقلاب در ایران است. مبارزه شورانگیز مردم را خشونت تعریف میکنند تا فردا روزی به همین بهانه این مبارزه را سرکوب کنند کاری که

آگهی برنامه های تازه کانال جدید

کانال جدید از اول دسامبر (10 آذرماه) شروع به پخش روزی دو ساعت برنامه از کانال یک در تلویزیون یوتل ست، تل استار پنج و رادیو هاتبرد کرده است.

از یوتل ست دبلو تو ام برای ایران و اروپا

Eutelsat frq 11473 Vertical sim: 27500 3.0 E 90030 - Eutelsat W2M

از تل استار 5 برای آمریکای شمالی

Galaxy25 (KU5) Frequency: 11836 3/4 Vertical Symbol Rate 20770

برنامه های کانال جدید همزمان از رادیو پدر پخش میشود:

Hotbird frq:11200 Vertical sim: 27500

ساعات پخش کانال جدید در این فرکانسها به این شرح میباشد:

ساعت 6 و نیم تا 7 و نیم عصر به وقت ایران معادل 4 تا 5 عصر به وقت اروپای مرکزی و 7 تا 8 صبح به وقت لس آنجلس

همینطور ساعت 10 و نیم تا 11 و نیم صبح به وقت ایران معادل 8 تا 9 صبح به وقت اروپای مرکزی

و 11 تا 12 شب به وقت لس آنجلس

یادآوری میکنیم که برنامه های کانال جدید 24 ساعته از طریق اینترنت نیز در آدرس

قابل مشاهده است. (www.rowzane.com) و یا سایت روزنه (http://www.ustream.tv/channel/kanal-jadid1)

ساعات و مشخصات این برنامه ها را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

کانال جدید برنامه های 24 ساعته رادیو و تلویزیون خود را نیز بزودی شروع خواهد کرد.

کانال جدید

1 دسامبر 2009

آدرسهای تماس با کانال جدید:

0013108569897

0015053334174

http://www.newchannel.tv/

بازتاب هفته**قابل تامل: گفته هایی در مورد مذهب**

(بازتاب هفته در امور غیر روز تا حالا دخالت نمیکرد. اما این گفته های جالب برخی مشاهیر در مورد مذهب را که دوستی ای میل کرده بود حیفم آمدنیاورم. بالاخره همه جا استشنا معنی دارد! ان. ن)

ولتر: اولین روحانی جهان اولین شیبادی بود که به اولین ابله رسید.

جومو کیانتا: وقتی مروجین مذهبی به سرزمین ما آمدند، در دست شان کتاب مقدس داشتند و ما در دست زمین هایمان را داشتیم. پنجاه سال بعد ما در دست کتاب های مقدس داشتیم و آنها در دست زمین های ما را داشتند.

ناپلئون: مذهب تنها برای بردگی انسان ها خلق شده است.

سوزان ارتس: روحانی نسبت به برهنگی و رابطه طبیعی دو جنس حساسیت دارد، اما از فقر و فلاکت مردم ککش نمیگذرد.

رابرت گرین اینگر سول: کشیش ها می گویند که آنها به مردم بخشیدن و خیریه را می آموزند. این طبیعی است. چون آنها از قبل همان صدقه و خیرات زندگی میکنند. همه گداها آموزش میدهند موعظه که مردم باید به آنها پول بدهند.

سی دیروت: هرگز یک فیلسوف یک روحانی را نکشته است، در حالیکه روحانیون فلاسفه زیادی را کشته اند...

رابرت گرین اینگر سول: وقتی که مردم بیشتر آگاه می شوند، کمتر به روحانی و بیشتر به معلم توجه می کنند.

ناپلئون بناپارت: دین بهترین وسیله برای ساکت نگه داشتن عوام است.

مارک تواین: قسمت هایی از انجیل را که من نمی فهمم ناراحت نمی کنند، آن قسمت هایی را که می فهمم برایم عذاب آور است. **نیچه:** به من بگو قبل از تولد کجا بوده ای تا به تو بگویم پس از مرگ کجا خواهی رفت.

جورج کارلین: مذهب مردم را متقاعد کرده که: مردی نامرئی در آسمانها زندگی می کند که تمام رفتارهای تو را زیر نظر دارد، لحظه به لحظه آن را. و این مرد نامرئی لیستی دارد از تمام کارهایی که تو نباید آنها را انجام دهی، و اگر یکی از این کارها را انجام دهی، او تو را به جایی می فرستد که پر از آتش و دود و سوختن و شکنجه شدن و ناراحتی است و باید تا ابد در آنجا زندگی کنی، رنج بکشی، بسوزی و فریاد و ناله کنی. ... ولی او تو را دوست دارد!

آرتور سی کلارک: یکی از بزرگترین تراژدی های بشریت این است که اخلاقیات بوسیله دین دزدیده شده است.

کارل مارکس: مذهب، آه خلق ستمدیده است، قلب دنیای بی قلب و روح شرایط بی روح. مذهب افیون توده هاست.

بنجامین دیزرائیلی: آنجا که علم پایان می یابد، مذهب آغاز میگردد.

کاؤچیو: دین، افساری است که به گردن تان می اندازند، تا خوب سواری دهید، و هرگز پیاده نمی شوند، که برای همیشه رستگار شوید...

از هم اکنون زمزمه های آنرا البته شروع کرده اند. ایشان یکبار تجربه کردند و با خشونت بی سابقه در تاریخ بشر جلو یک انقلاب عظیم را گرفتند، اکنون خودشان را آماده میکنند که دوباره همان نقش ضد انقلابی را بازی کنند. اما زهی خیال باطل! این روشنفکران دینی تاریخ اندیشانی بیش نیستند که جز تباهی و استعمار توده مردم هدفی دیگر ندارند تمام تنوری بافی هایشان در راستای همین است. اگر پنج تن آل عبا، عبا، عبا، محمد را داشتند میبایست به آن پناه برند. برای ایشان متاسفیم که عبا، اسلام و قانون اساسی پاره و پوره شده و جای مناسبی برای پناه بردن نیست و جز رسوایی برای پناهنده آن شماری نخواهد داشت. به اینها باید گفت آقایان! قاچ زین را بچسبید سواری پیش کشتان. فکری بحال پرونده پر از جنایات خود بکنید و از رهبر مردم شدن کوتاه بیایید. رو هم چیز خوبی است.*

جوابیه بیش از ۱۶۰۰ نفر فعالین اپوزیسیون و آزادیخواهان به عزت الله سبحانی! کل این نظام باید برود! مسئول خشونت فقط و تنها این نظام است!

خیزش انقلابی برحق است که بدجوری این نظام و مدافعینش را در مخمصه گذاشته است. ما تا آخر با این خیزش هستیم. به نظر ما این تقلاها از سر ترس و وحشت است. به نظر ما خامنه ای و حکومتش هیچ غلطی نمیتواند بکند. لذا بترسید، بلرزید، ما همه با هم هستیم!

پاسخ ما و اخطار ما به شما و همه همقطاران این است که دست از این تلاشهای زشت و مذبحخانه بردارید. نه ما و مردم سازش میکنیم و نه این تلاشها به خرج کسی میرود. با این اقدامات باعث انزجار بیشتر مردم از خودتان میشوید. بهتر است سر نامه هایتان را کج کنید. خامنه ای و احمدی نژاد و کل نظام را محکوم کنید. زن ستیزی را محکوم کنید. بریدن زبان رهبر کارگری را محکوم کنید. قوانین اسلامی را محکوم کنید. اگر همه این کارها را نمیتوانید انجام دهید. در خانه بمانید و نظاره کنید که چگونه ما و مردم کار این حکومت را تمام میکنیم. ایران را به مهد آزادی، رفاه، عدالت و مدرنیسم، پیشرفت و خوشبختی انسانها بدل میکنیم. بنشینید و ببینید که در تهران چگونه خامنه ای و احمدی نژاد و بقیه را به پای میز محاکمه میکنیم. بترسید از اینکه مبادا جایتان در پشت میز این محاکمات باشد. زودتر از صف دشمن خارج و خود را به مردم تسلیم کنید. آقای سبحانی اگر برایتان ماندن در داخل کشور هزینه دارد، ما حاضریم کمکتان کنیم پناهندگی بگیرید! آنوقت طعم تعامل کردن با حکومت را قشنگ می چشید

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده و پرتوان باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران در داخل و خارج کشور برای به زیر کشیدن این نظام!

از همه ایرانیان مبارز خارج کشور میخواهیم این را به عنوان جوابیه ایرانیان مقیم خارج امضا، و به صورت طومار پخش کنید. در فیس بک، تویتر، سایتها، وبلاگها و در رادیو و تلویزیونهای ماهواره. در صفحه فیس بک امضا کنندگان میتوانند اسم خودتان را وارد کنید.*

نگاه مردم بترسید!
۴. آقای سبحانی از ما میخواهید تعامل بکنیم که دست آخر چه اتفاقی بیفتد؟ میخواهید سفارتخانه های رژیم اسلامی راه بیفتند، دانه به دانه جوانهای ما را در خارج کشور که در این مدت بحق و شجاعانه دست به تظاهرات و ابراز همبستگی با مردم ایران زدند شناسایی کنند، ترور کنند، بساط برگرداندن اجباری آنها به ایران را فراهم کنند؟ آنوقت شما و یک مشت روزنامه نگار دور قاب چین بی وجدان بنویسید که حقتشان بود، زیادی خشونت کرده بودند؟ این سناریویی است که در تدارک آن شما هم سهمید؟ چون معنی سازش و تعامل با این رژیم همیشه گسترش خشونت بیشتر بوده است. آقای سبحانی فریدون فرخ زاد یک تظاهرات خیابانی نرفته بود، میتوانید به ما بگویید که آیا قطعه قطعه کردن ایشان به دلیل انتقادات ضد اسلامی اش خشونت بود؟ یا که نه، فرخزاد خودش مقصر بود؟ آقای بختیار چه؟ غلام کشاورز که جلو چشم همسر و مادر و بستگانش ترور شد چه؟ قاسملو چه؟ و.... آیا این عین استدلالی نیست که سران القاعده برای مشروعیت دادن به حمله به برجهای نیویورک می آورند. از نظر آنها هم کار آنها خشونت نبود. این مردم آمریکا بودند که مقصر بودند! آقای سبحانی یک نگاهی به دور و بر خود بیندازید. سهم سعید حجابیان از تعامل با حکومت چه بود؟ سهم خود آقای خاتمی چه بود؟ آقای موسوی را حتی بیانیه پذیرش مشروعیت دولت احمدی نژاد نیز نجات نداد. کیهان خواستار اعدام ایشان بعد از این بیانیه شده است! آقای سبحانی ما که میدانیم نامه شما جزو پروژه گسترده حمله به یک

۲. آقای سبحانی در این ممالکی که ما زندگی میکنیم بعد از شصت سال هنوز یهودیان و قربانیان هلاکاست هیتلری را که حتی یک روز در اردوگاههای کار اجباری هیتلر به کار گمارده شده اند پیدا میکنند، اعاده حرمت میکنند، غرامت میپردازند. شما با چه جرئتی به خود این امکان را میدید که به قربانیان مستقیم خشونت و جنایت این حکومت در خارج کشور نامه نوشته و گدایی تعامل با نظام را بکنید؟ میلیونها نفر از ما ایرانیان در خارج کشور به خاطر اعدام، به خاطر سنگسار، به خاطر نفس زدن و عدم برخورداری از اولیه ترین حقوق مدنی خود، به خاطر کودک بودن، به خاطر فشار اختناق، فقر و فلاکت و تباهی و... رنج فرار را به خود هموار و آواره کشورهای دیگر شده ایم، شما از ما میخواهید سازش کنیم؟ فراموش کنیم؟ بیخشمیم؟ شما خوب میدانید که دهها ایرانی فقط در حال فرار در جنگلها و در دریاها کشته شده اند. هزاران هزار نفر در خطر دیپورت به سر میبرند. چه بسیار پناهندگان سیاسی که به زور برگردانده شده و حتی اعدام شدند. روی تن بسیاری از پناهندگان سیاسی اینجا هنوز آثار شکنجه حکومت مورد دفاع شما حک شده است. تعداد زیادی از ما خواهر و برادران خود را در زندانها از دست داده ایم. یک نسلی از جوانهای ما در خارج کشور، فرزندان اعدامیان حکومت شما هستند. با قاتلین پدر و مادر و خواهر و برادر خود سازش کنیم؟ ما که محال است سازش کنیم، سؤال ما این است قیمت شما چقدر بوده است؟ آیا به اندازه اشکهای مادرانی هست که سالهاست فرزندان را در غربت ندیده اند؟ به اندازه تحقیر و تنهایی میلیونها انسان هست؟ جواب این سؤال را جناب سبحانی باید در آینده نزدیکی چشم در چشم مردم در خیابانهای تهران بدهید. از



مهرنوش موسوی

خشونت را کسانی میکنند که نام تجاوز به کودک را در قانون اساسی مملکت ازدواج شرعی گذاشته اند. این یعنی خشونت! خشونت را کسانی میکنند که به بچه های ما در کهریزک تجاوز و اسمش را افتتاح المبین گذاشتند! کسانی که ندا و اشکان و سهراب و ترانه و محسن و... را کشتند، بچه های مردم را زیر ماشین کردند. این یعنی خشونت! آنها خشونت را میکنند و سهم افرادی مانند شما در این سی سال توجیه این خشونت بوده است. سی سال است هم ما را میزنند، هم خشونتشان را به اسم اپوزیسیون ملی/اسلامی توجیه میکنند و به گردن مردم می اندازند. علت توجیه این خشونت، علت اینکه شما اکنون رو به مردم به عنوان تبری از خشونت صحبت میکنید زد و بند سیاسی است که کرده و میکنید. به شما اخطار میدهم که دست از توجیه خشونت این نظام و پاپوش درست کردن علیه مردم بردارید. بروید حکومت و خامنه ای را به عنوان باعث و بانی خشونت محکوم کنید. به جای اینکه با محکوم کردن مردم در بساط سرکوب علیه آنها سهم بشوید. نشنیدید که جوانهای ما به حکومت در تظاهراتهای خود گفتند: این آخرین اخطار است؟

آقای عزت الله سبحانی اخیرا طی نامه ای به ایرانیان در خارج کشور، ضمن دسته بندیهای مختلف و کاذب که به جهت تفرقه انداختن و حکومت کردن عنوان شده از ما خواسته اند که تعامل کنیم! از ما که خود قربانیان خشونت رژیم جمهوری اسلامی هستیم خواسته اند خشونت نکنیم. ایشان البته در مصاحبه با روز آن لاین رسما از جوانان خواسته اند که دست از شعار بر علیه آقای خامنه ای بردارند. از نامه ایشان پیداست که دنبال ختم تظاهراتهای ما در خارج و یا بی خاصیت کردن آنها هستند. جواب ما به آقای عزت الله سبحانی شامل این موارد است:

۱. آقای سبحانی ما سازش نمیکنیم. ما نه با خامنه ای، نه با احمدی نژاد و نه با هیچ دیکتاتور و زورگویی در این مملکت سازش نمیکنیم. حرف ما با شما، شعار جوانهای ما در کف خیابانهاست که فریاد زدند: خامنه ای قاتله اصل نظام باطله! لذا دست از تقاضای سازش بردارید. خودتان را سبک و دشمن مردم نکنید. نفس اینکه افرادی مانند شما را جلو انداخته اند تا برای شعار ندادن علیه خامنه ای در نزد جوانهای مملکت و ایرانیان مقیم خارج ریش گرو بگذارید و عجز و لایه کنید نشان میدهد که کار این حکومت خراب اندر خراب است. نشان میدهد که ما چه قدرتی هستیم.

۲. آقای سبحانی الان دیگر حنای بهانه "تبری از خشونت" رنگی ندارد. شما و دوستانتان هم میدانید که خشونت را مردم نمیکنند. خشونت را کسانی میکنند که سی سال است به زور اسید و پونز حجاب بر سر زنان مملکت کرده اند. این یعنی خشونت!

برای مشاهده لیست امضاها به صفحه اینترنتی در فیس بک و به این آدرس رجوع کنید:

<http://www.facebook.com/group.php?gid=255920776962&ref=mf#/group.php?gid=255920776962&ref=mf>

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

از انقلاب ایران حمایت کنید!

نامه مینا احدی به سازمانهای مدافع حقوق انسان، به سکولاریستها و اومانیستها در سراسر جهان

هفت ماه است که یک انقلاب عظیم اجتماعی علیه حکومت اسلامی ایران و علیه دخالت مذهب در زندگی مردم، در ایران در جریان است. حکومت فاسد، جنایتکار و قرون وسطایی. در این کشور همه چیز قدغن است، رقص و موسیقی و رنگ و شادی، عشق و دوست داشتن و رابطه آزادانه، انتقاد و تشکل و جمع و نقد اسلام و طرد این مذهب و لامذهبی... و هر نشانه‌ای از زندگی و دوستی و شادی با مجازاتهای شنیع اسلامی پاسخ میگیرد.

ایران کشوری است که در آن بیش از سی سال است جنبش اسلامی حاکمیت میکند. اعدام و سنگسار و دست و پا بریدن و چشم در آوردن جزو سیستم قضایی و حقوقی این مملکت است و ترور علیه بی دینان، علیه کارگران و دانشجویان و زنان و علیه همه مردم، یک وسیله مهم حکومت در سادت کردن مردم بوده است.

دولتهای غربی، در مجموع در مقابل این سیستم قرون وسطایی و وحشتناک، سکوت کرده و به داد و

سند اقتصادی و سیاسی با حاکمین ادامه داده اند.

امروز در ایران، نسل جوان و معترض به پا خاسته و اعلام کرده است که دیگر با این حکومت و با قوانین ضد انسانی آن کنار نمی آید. ایران آبستن تحولات مهمی است و هفت ماه است که نگاهها را به خود جلب کرده است.

امروز مطبوعات رسمی در دنیا، همان رسانه هایی که ایران را کشور اسلامی قلمداد کرده و احمدی نژاد را در بین "فقرا" محبوب قلمداد میکردند! رسانه هایی که انقلاب را خسونت نامیده و بیشترین رادیکالیسم آنها دفاع از "رفرم" در ایران و دفاع از نوع خوش خیم اسلام بود از یک انقلاب در این کشور حرف میزنند.

آری ایران درگیر یک انقلاب علیه جنبش اسلامی و حکومت اسلامی است و این انقلاب احتیاج به پشتیبانی شما دارد. انقلابی علیه دستگاه فاسد و جنایتکار حاکم، انقلابی با خواست ایرانی بدون قوانین و مقررات قرون وسطایی اسلامی،

بدون آپارتاید جنسی، بدون سلاح اتمی، ایرانی مدرن، مرفه و آزاد برای میلیونها نفر.

حکومت اسلامی در هفت ماه گذشته بیش از دو سست نفر از تظاهرکنندگان را در خیابانها و یا زندانها به قتل رسانده به دهها نفر از دستگیرشدگان در زندانها تجاوز شده و اکنون سران جنایتکار حکومت در صد زمینه سازی برای اعدام شرکت کنندگان در حرکات اعتراضی هستند.

این خطر بسیار جدی است و رئیس قوه قضاییه حکومت و برخی از مقامات بالای حکومت از ضرورت اعدام فوری تعدادی از دستگیرشدگان حرف میزنند. در طول همین هفت ماه گذشته حکومت اسلامی ایران بیش از ۲۵۰ نفر را نیز به بهانه های مختلف اعدام کرد. سرکوب اعتراضات مردم، و خونی و جنایت بیشتر، راه حل حکومت اسلامی در مقابل این اعتراضات است.

تاثیرات جنبش انقلابی مردم ایران از مرزهای ایران فراتر رفته و آخوندها در یم و اردن نیز، فراخوان سرکوب

اعتراضات مردم ایران را داده اند. یکی از این آخوندها دیروز در اردن گفت، اگر جلوی جوانان در ایران گرفته نشود، فردا در اردن و پاکستان و افغانستان و فلسطین هم باید شاهد این صحنه ها باشیم.

آری این یک جنبش آزادیخواهانه، برابری طلب، و مدرن است که با فیس بوک و تویتر خود را سازمان میدهد و زمینه گسترش فوری در منطقه را دارد. این جنبش است علیه آپارتاید جنسی، علیه دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش و برای یک زندگی مدرن و سکولار و انسانی.

اگر این جنبش موفق شود جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند، کمر اسلام سیاسی را می شکنند. این یک واقعه مهم در دفاع از سکولاریسم در منطقه خاورمیانه و به نوعی در دنیا است. پیروزی این جنبش در ایران، به دخالت سازمانهای اسلامی در اروپا در مقدرات مردم و جنبش مسجد سازی و تحمیل حجاب به کودکان و زنان لطمه سنگینی زده و این جریان را بشدت تضعیف خواهد کرد.

پیام و درخواست من از همه شما

فردی و سیاسی و اجتماعی خود، خودش تصمیم میگیرد و نه مردان و نه آخوند پوسیده محله و نه دولت مردسالاری!

زنان آزاده ایران!

حجاب زنان و سلول انفرادی زنان است. حجاب یک پرچم و سمبل اسلام سیاسی و همه باندهای تروریست اسلامی است. در ایران، حکومت اسلامی با حجاب آمد و با پرتاب شدن حجابها خواهد رفت.

این روزها بحث در مورد حجاب در ایران به درست بالا گرفته است. این پاشنه آشیل حکومت اسلامی است. به هیچ ترفند حکومتی و یا تقلاهای پنهان و آشکار جنبش ملی- اسلامی، برای سست کردن اراده شما در پرتاب کردن حجابها توجه نکنید! حجابها را باید پرتاب کرد، از زنان و سلول انفرادی متحرک تحمیل شده به ما، باید بیرون آمده و فرمان جنگ با آخوندهای حاکم و مقررات پوسیده و قرون وسطایی را باید بلندتر از همیشه به صدا در آورد.

هشت مارس روز جهانی زن، روز ابراز نفرت عمومی ما از حجاب اسلامی است. همه جا در ایران و در دنیا با پرتاب کردن حجابها و

عقب ماندگی و ارتجاع و دخالت مذهب در زندگی است. این انقلابی است برای رهایی و علیه هر نوع محدودیت و القاب عقب مانده که زنان را در چهارچوب نقش "خواهر" "همسر" و "بانو" و انسانی وابسته به مرد، یعنی یک جنس برتر تعریف میکند. این انقلاب به فرودستی زنان در همه ابعاد قانونی و فرهنگی باید پایان دهد.

ما اعلام میکنیم که:

دوره چهارچوبهای ملی- اسلامی با این انقلاب زیر و رو کننده در ایران، به سر رسیده است. زنان ایران وارد شاهراه آزادی و مدرنیته، شاهراه قطع دست مذهب از زندگیشان، شاهراه احترام به حقوق انسانی و انسانیت خود شده و به جنبش جهانی پیوسته اند که سالهای سال است علیه دخالت مذهب در زندگی زنان و علیه همه قوانین مردسالار و ضد زن در دنیا، مبارزه میکنند. فرمان انقلاب ما در ایران اینست: قید و بندها را در هم بشکنید، هیچ مقدساتی مهمتر از حرمت انسان و آزادی و برابری زن و مرد نیست. هیچ امری مقدس تر از این نیست که زن انسان است و در مورد زندگی، عواطف و احساسات و روابط جنسی و عاطفی خود، در مورد روابط و فعالیتهای

پیام مینا احدی به مناسبت ...

زنان آزاده ایران!

اگر در مقابل ما حکومتی ضد زن، عصاره و چکیده قرون وسطایی گری و فرهنگ دوران توحش در قرن بیست و یکم را نمایندگی میکند، اگر حکومت اسلامی در طول سی سال، ما را تحقیر و زندانی و شکنجه و سنگسار کرد، در مقابل این جرثومه فساد و تحجر، جنبش عظیم علیه اینها شکل گرفته است که میخواهد از هر نوع قید و بند قانونی و فرهنگ و سیاست نابرابر آزاد شود. جنبش مدرن و برابری طلب و منفک از همه قوانین و سنتهای پوسیده اسلامی و یا ملی- اسلامی!

شما زنانی که در صف اول اعتراضات می جنگید و قربانی میدید، خواهان آزادی، برابری، رفاه و همه حقوق انسانی خود هستید. شما رو به آینده دارید و نه گذشته، شما همه آزادی را میخواهید و نه قوانین سر و دم بریده دوران دیکتاتور قبلی و نه حقوق زن در چهارچوب اسلام "رام شده" و "زن فرمانبر پارسا"! این انقلاب پاسخ محکم همه مردم آزاده و زنان برابری طلب به این

از صفحه ۱ شده است. به دلیل زن بودن، در خانه، مدرسه، دانشگاه، در خیابان و محیط کار، در سطح قوانین و مقررات دولتی و در رسانه های حکومتی، تحقیر میشوند. زنان برای رهایی از این بی حقوقی مطلق در حال نبرد با حکومتی اسلامی هستند که نمونه بارز ضد زن بودن و فاشیست بودن از نوع اسلامی آن است.

جدا سازی زن و مرد در جامعه، و تحمیل آپارتاید جنسی علیه زنان، قانون اساسی مملکت است. تحمیل حجاب به زنان به ضرب کتک زدن و شلاق و اسیدپاشی و حتی اعدام زنان، یک روش مهم سرکوب زنان توسط جلادان اسلامی بوده و هست.

قانون اساسی حکومت اسلامی به تمکین کشاندن زنان و محو کردن فردیت، احساسات و عواطف زنان و تبدیل کردن آنها به اشباحی است که به میل آخوند مذکور و هوسران و هم پالگی های اینها، باید بسوزد و بسازد و خدمات جنسی بدهد. هر نوع ابراز نظر و یا ابراز احساسات فردی زن، با اشد مجازات و با سنگسار پاسخ میگیرد.



حجابسازان اعلام کنید که پایه ها و ریشه حکومت زن ستیز اسلامی، حکومت شلاق و اسیدپاشی، حکومت اعدام و سنگسار را میسوزانیم. اعلام کنید که سی سال است با هزاران و میلیونها دلار بودجه، با هزاران نفر نیروی سرکوبگر میخواهند حجاب را به ما حقه کنند و نتوانستند، امروز نوبت ما است که اعلام کنیم، نه به حجاب اسلامی، نه به زن ستیزی اسلامی، نه به هر نوع جدا سازی ملی و مذهبی!

مینا احدی

مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار سخنگوی علیه تبعیض "سازمان دفاع از حقوق زن"

۷ ژانویه ۲۰۰۹

تجمع کارگران ایستگاه پل صدر متروی تهران

بنا به خبری که خبرگزاری ایلنا منتشر کرده است، حدود ۶۰۰ تن از کارگران مشغول به کار در ایستگاه در دست احداث متروی پل صدر در تهران صبح روز ۱۵ دیماه در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه حقوق خود، دست از کار کشیده و دست به تجمع اعتراضی زدند. سرپرست کارگاه این ایستگاه گفته است که "انظور که کارگران می گویند نیست و نهایت سه ماه از تعویق حقوق آنها سپری می شود!" حزب کمونیست کارگری از

اعتراض کارگران ایستگاه پل صدر متروی تهران قاطعانه حمایت می کند و از دیگر کارگران این مترو می خواهد متحد و یکپارچه به اعتراض خود برای رسیدن به مطالبات برحقشان ادامه دهند. حزب همه مردم تهران و کارگران دیگر مراکز کارگری را فرامیخواند در هر تجمع کارگری شرکت کنند و آنرا به صحنه مبارزه گسترده علیه حکومت جنایتکار و مفتخور اسلامی تبدیل کنند. هرچه مردم بیشتری به صفوف اعتراضی کارگران بپیوندند امکان

عقب راندن جمهوری اسلامی و تحقق خواست های کارگران نیز بیشتر خواهد شد و زمینه برای تعرضات گسترده تر به حکومت اسلامی سرمایه داران بیشتر فراهم خواهد شد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ دی ۱۳۸۸، ۷ ژانویه ۲۰۱۰

اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک البرز

کارگران را تحریک به ایجاد اغتشاش نمایند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض به حق کارگران کارخانه لاستیک البرز قاطعانه حمایت میکند و تهدید و شاخ و شانه کشیدن مدیریت و دولت اسلامی سرمایه داران علیه کارگران را محکوم می کند. حزب کارگران این کارخانه را به ادامه مبارزه تا رسیدن به همه خواسته های خود فرامیخواند. تهدید کارگران کوچکترین مشکلی را از بحران رژیم و نمایندگان ریز و درشت آن را حل نمیکند؛ بخصوص در برهه ای از تاریخ این مملکت که کل جامعه برای تعیین تکلیف نهائی وارد مبارزه شده است. حزب همه کارگران و مردم مبارز را به حمایت از اعتراض کارگران کارخانه لاستیک البرز و همچنین به مبارزه ای متحدانه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و مدیرانش در کارخانه ها و دیگر محیطهای کار فرامی خواند.

بنا به خبری که در سایت "اتحاد"، سایت "اتحادیه آزاد کارگران ایران" درج شده است، کارگران کارخانه لاستیک البرز صبح روز ۹ دیماه در مقابل ساختمان مدیریت کارخانه، در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق معوقه خود، دست به تجمعی اعتراضی زدند. هفته قبل نمایندگان این کارگران، که در مجمع عمومی سال گذشته کارگران بعنوان نماینده کارگران انتخاب شده بودند، به دفتر مدیریت کارخانه مراجعه کرده و خواهان گفتگو در مورد حقوق معوقه خود و کلا موضوع تعویق در دریافت دستمزد ماهانه شدند که مدیریت با بهانه اینکه اینها نماینده کارگران کارخانه نیستند و بایستی انتخابات شورای اسلامی کارخانه تجدید شود از پذیرفتن نمایندگان کارگران خودداری کرد.

در ادامه این خبر آمده است: "با وجود گذشت ۹ روز از ماه دی، این کارگران هنوز موفق به دریافت حقوق ماه گذشته خود نشده و هم چنین ۵ ماه است که لیست بیمه این کارگران به تأمین اجتماعی ارسال نشده است و دفترچه های درمانی آنان نیز تمدید نمیشود. مدیریت کارخانه هفته گذشته به جای پاسخگویی به کارگران با اداره اطلاعات تماس گرفته و گفته بود که نمایندگان کارگران کارخانه لاستیک البرز قصد دارند

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ دی ۱۳۸۸، ۱ ژانویه ۲۰۰۹

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر:

محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

11 شب بوقت اروپای مرکزی

5 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

ترور و دستگیری فعالین کارگری را محکوم میکنیم



طبق خبری که ویلاگ کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر کرده است، بتاريخ ۱۰/۱۰/۸۸ ساعت یازده و چهل دقیقه شب چند نفر مسلح به منزل جمال کریم پوری یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری واقع در روستای مولان آباد در منطقه سقز حمله کردند و ایشان را مورد اصابت چند گلوله کلت قرار دادند که در نتیجه جمال از ناحیه دست چپ مجروح شده و بعد از این عمل تروریستی، تروریستها با مشاهده مردم روستا از محل دور شدند. مردم روستا بلافاصله جمال را به بیمارستان امام خمینی سقز انتقال داد و در تاریخ ۱۱/۱۰/۸۸ تحت عمل جراحی قرار گرفت و هم اکنون حال او خوب می باشد.

این اولین بار نیست که رژیم اسلامی دست به ترور فعالین کارگری می زند. طی چند سال گذشته بارها به این اعمال استیصال گونه دست زده و هر بار با موجی از تنفر و انزجار عمومی روبرو شده است. رژیم در حال سقوط اسلامی تنها با گرسنه نگه داشتن کارگران و خانواده های ایشان، با عدم پرداخت دستمزدهای

معوقه و هزارویک فلاکت دیگر علیه کارگران بسنده نکرده بلکه به ترور و آدم کشی در روز روشن و در مقابل چشم مردم سعی در سرپا نگاه داشتن خود کرده است. در ادامه این اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی اقدام

به دستگیری و احضار تعداد دیگری از فعالین کارگری کرده است. دستگیری رضا رخشان از فعالین کارگری هفت تپه نمونه دیگری از تلاشهای رژیم اسلامی از سر استیصال است. اما این تقلاها تنها از سر درماندگی و شکست است. این جانباختن خوب میدانند که با شروع اولین اعتصابات قدرتمند و کوبنده کارگری مهر پایان عمر حکومت ضد بشری اش کوبیده خواهد شد. ترور فعالین کارگری و دستگیری و احضار آنها هیچگونه کمکی به سرپا ماندن

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۳ دی ۱۳۸۸ - ۳ ژانویه ۲۰۱۰

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید برچیده شوند!



باید در همه جای دنیا بسته شود- سفارتخانه جمهوری اسلامی، این همان دستگاه سرکوب در داخل و مراکز توطئه، ترور و جاسوسی علیه مخالفین در خارج، نیست- بنام آزادی و در حمایت از مبارزات قهرمانانه مردم ایران اعلام می داریم که سفارتخانه های جمهوری اسلامی در خارج کشور باید بلادرنگ بسته شوند- هر لحظه ادامه فعالیت این مراکز ترور رژیم اسلامی در خارج کشور، به معنای تایید نقض خشن آزادیهای سیاسی مردم ایران توسط این حکومت است. مردم بیباک ایران این را نخواهند بخشید!

بنام قربانیان سی سال جنایات جمهوری اسلامی و بنام کسانی که در ماههای اخیر در مقابل چشم جهانیان توسط جمهوری اسلامی

کشته شدند، بنام نداها، سهرابها، اشکانها و ترانه ها که جان خود را برای آزادی و حرمت انسان از دست دادند، اعلام می کنیم که سفارتخانه های این رژیم آدمکش

سفارتخانه های جمهوری اسلامی در خارج کشور باید برچیده شوند. این حکم انقلاب مردم ایران است! مختلف دایر شده است ولی نه فقط حکم مردمی که در چند ماه اخیر با اعتراضات گسترده خود به جهانیان نشان داده اند که این رژیم را نمی خواهند و خواهان سرنگونی آن هستند. سفارتخانه های جمهوری اسلامی بنام مردم ایران در کشورهای مختلف دایر شده است ولی نه فقط مردم ایران را نمایندگی نمی کنند بلکه، بر ضد مردم ایران هستند. اینها مراکز دشمنان مردم ایران در خارج کشور جلوه دهد- سفارتخانه های جمهوری اسلامی چیزی جز ادامه سرکوب و با شکنجه و تجاوز و اعدام بر مردم کشوری حکومت می کند نمی تواند و نباید این حق را داشته باشد که خود را نماینده آنها در خارج کشور جلوه دهد- سفارتخانه های جمهوری اسلامی چیزی جز ادامه

عبادت مسلح!
عبادت برای ادامه فساد در آن دنیا!
کلت کمبری برای نجات از خشم مردم در این دنیا!
چه تصورات احمقانه ای!



تجمع اعتراضی کارگران دو مرکز کارگری تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لبنی کنلوس تنکابن و کارخانه نساجی مازندران

بنا به خبری که امروز ۱۵ دیماه منتشر شده است، کارگران کارخانه تولید فرآورده های لبنی کنلوس تنکابن در اعتراض به وضعیت نامناسب اقتصادی و عدم پرداخت چهارماه دستمزد از یک سو و اخراجهای پی در پی کارگران از سوی دیگر، دست به تجمع زدند و از مسئولان دولتی خواستند که فوراً به خواسته های آنها رسیدگی کنند. بنا به خبر دیگری که روز ۱۴ دیماه منتشر شده است، کارگران کارخانه نساجی مازندران نیز در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق خود، دست از کار کشیدند و تجمع اعتراضی برپا کردند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران کارخانه تولید فرآورده های لبنی کنلوس تنکابن و کارگران کارخانه نساجی مازندران حمایت قاطع می کند و از همه کارگران این مراکز می خواهد متحد

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.INTERNASIONAL.COM
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv
آدرس تماس با حزب:
Tel: 0046-739318404
Fax: 0046-8 6489716
Email: markazi.wpi@gmail.com
آدرس پستی
I.K.K
Box: 2110
127 02 Skärholmen - Sweden

زنده باد حکومت انسانی!
بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ دی ۱۳۸۸، ۵ ژانویه ۲۰۰۹